

گذاریم میان هیچ کسی از پیغامبران او<sup>(۱)</sup> و گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم می‌خواهیم آموزش توای پروردگار ماویسوی تواست بازگشت (۲۸۵) .

خدا واجب نمی کند بر هیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش از ما بودند ای پروردگار ماومنه برسرمآنچه توانائی آن نیست مارا و در گذارزما و بیمارزمارا وبه بخشای مارا توئی خداوند ماپس غلبه ده مارا بر گروه کافران (۲۸۶) .

سوره آل عمران هدی است و آن  
دو صد آیت و بیست رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقُرْآنِ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

بنام خدای بخشاینده مهربان .  
الم (۱) .

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود  
برحق مگر اوزنده تدبیرکننده عالم است  
(۲) .

فرود آورد بر تو کتاب را برآستی باور  
دارنده آنچه پیش دست وی است و فرود  
آورد تورات و انجیل را (۳) .

تَوَلَّىٰ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ  
وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

(۱) یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی باشیم .

پیش ازین برای راه نمودن بمردمان و فرود آورد قرآن را هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیات خدا ایشانراست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است (۴).

هر آئینه بر خدا پوشیده نمی شود چیزی در زمین ونه در آسمان (۵).

او آنست که صورت می بندد شمارا در ارحام چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحق بجز او غالب استوار کاراست (۶).

او آنست که فرود آورد بر تو کتاب بعضی از آن آیت های واضح است آنجمله اصل کتاب است و بعضی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه پس اما کسانی که دردل ایشان کجی است پیروی می کنند آنرا که متشابه است از آن کتاب برای طلب فتنه و طلب تأویل آن و نمیدانند مراد آن را مگر خدا و ثابت قدمان در علم می گویند ایمان آوردیم باین متشابه این همه از نزد پروردگار ماست و پندپذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد (۷).

می گویند ای پروردگار ما کج مکن دلهای مارا بعد از آنکه راه نمودی مارا و عطا کن برای ما نزد خود رحمت هر آئینه تویی عطا کننده (۸).

ای پروردگار ما هر آئینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شك نیست

مَنْ قَبْلَ هُدَىٰ لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ مَنْ الذِّينَ كَفَرُوا  
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٥﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٥﴾

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۗ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ  
مِنْ أَثَرِ الْكِتَابِ وَأُخْرَى مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ  
زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ  
وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ  
فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ  
إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾

رَبَّنَا إِذْ نُرِذِّعُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ  
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَكَابُ ﴿٨﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ أَرَىٰ فِيهِ مَنْ إِنْ اللَّهُ لَا يَخْلُقُ

الْبَيْعَاتِ ۝

در آن هر آئینه خدا خلاف نمیکند وعده را (۹) .

هر آئینه آنانکه کافر شدند دفع نکند از ایشان اموال ایشان ونه اولاد ایشان از عذاب خدای تعالی چیزی را وایشانند آتش انگیز دوزخ (۱۰) .

حال ایشان مانند حال آل فرعون است وآنانکه پیش از ایشان بودند دروغ داشتند آیاتِ ما را پس گرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبت است (۱۱) .

بگو کافران را که مغلوب خواهید شد وبرانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ و بد جایگاه است او (۱۲) .

بتحقیق هست شمارا نشانه در آن دو قوم که بهم آمدند<sup>(۱)</sup> يك گروه جنگ میکرد در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند می دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیده چشم و خدا قوت میدهد به نصرت خود هرکرا خواهد هر آئینه درین واقعه پندی هست خداوندان بصیرت را (۱۳) .

آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه های جمع ساخته از زر و سیم و اسپان نشانمند ساخته و چهار پایان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ  
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ ۝

كَذَّابٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَآلِهِ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُهُمْ وَهُمْ يُجَاهِدُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ  
وَبِئْسَ الْيَهَادُ ۝

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ وَالْآخَرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مُمِلِّيهِمْ رَأَى الْعَيْنُ وَاللَّهُ  
يُؤَيِّدُ بَصَرَهُ مَنْ يَشَأْ إِنَّ فِي ذَلِكَ  
لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۝

رُزِينَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ  
وَالنَّطَاطِرِ الْمُغَطَّرَةِ مِنَ الدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالنَّحِيلِ  
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

(۱) یعنی روز بدر و الله اعلم .

وَاللَّهُ عِنْدَهُ خُسْنُ النَّبَأِ ۝

قُلْ أُو۟سِب۟خ۟كُم۟ بِمَع۟يَرٍ مِّن۟ ذٰلِكُم۟ لِّلَّذِينَ اتَّعٰوٰا عِن۟دَ رَبِّهِم۟  
جَدَّتْ جَب۟ر۟و۟ى مِّن۟ عَم۟تِهَاۙ اِلَّا نَه۟ر۟ خَل۟دٍ يِّن۟ فِی۟هَاۙ وَاَز۟وَاجٌ  
مُّطَهَّرَةٌ ۙ وَرِض۟وَانٌ مِّنَ اللّٰهِ ۙ وَاللَّهُ بِصِی۟رِ۟ی۟ال۟عِبَادِ ۝۱۰۱

اَلَّذِیۡنَ یَقُوۡلُوۡنَ رَبَّنَاۤ اِنۡنَاۤ اِمۡنًا فَاغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَاِنۡنَا  
عَدَاۤیۡبُ النَّارِ ۝۱۰۱

اَلظَّٰلِمِیۡنَ وَاطۡمِدِّیۡنَ وَالۡغٰیۡبِیۡنَ وَالتَّنۡزِیۡفِیۡنَ  
وَالتَّسۡتَغۡفِرِیۡنَ بِاَلۡاَسۡحٰرِ ۝۱۰۱

شَهِدَ اللّٰهُ اَنۡهُۥ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۙ وَالتَّهٰلِكَةُ ۙ وَاُوۡلُوۡا الْعُلۡمِ  
قَابۡمًا ۙ اِلَّا لِنَظۡرِ سِطۡرٍ ۙ لَّا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیۡزُ الْحَكِیۡمُ ۝۱۰۱

اِنَّ الدِّیۡنَ عِنۡدَ اللّٰهِ الْاِسۡلَامُ ۙ وَاَخۡتَلَفَ الدِّیۡنَ  
اُوۡتُوۡا الْكِتٰبَ الْاَمۡنَ بَعۡدَ مَا جَاۤءَهُمُ الْعِلۡمُ بِغَیۡبِ

وزراعت، این ست بهره زندگانی دنیا و نزد خداست بازگشت نیک (۱۴).

بگو (ای محمد) آیا خبردهم شما را آنچه بهتر است ازین مرمقیان را باشد نزد پروردگار ایشان بوستان ها می رود از زیر آن جویها جاوید باشندگان در آن و باشند زنان پاکیزه و باشند خوشنود از خدا و خداینست به بندگان (۱۵).

آنانکه می گویند ای پروردگار ما هرآینه مایمان آوردیم پس بیامرز ما را گناهان ما و نگاهدار ما از عذاب آتش (۱۶).

شکیبایان و راست گویان و فرمانبرداران و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان در اوقات سحر (۱۷).

گواهی (۱) داد خدا (۲) آنکه نیست هیچ معبود برحقى مگرا و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال که خداتدبیر کننده عالم ست بعدل، نیست هیچ معبود برحقى مگر او غالب استوار کار است (۱۸).

هر آینه دین معتبر نزد خدا اسلام است و اختلاف نه کردند (یعنی در قبول اسلام)

(۱) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید درمنظره اهل کتابین و ردّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله واذغدوت من اهلك .

(۲) یعنی آشکار ساخت .

اهل کتاب مگر بعد از آنکه آمد بایشان دانش<sup>(۱)</sup> از روی حسد در میان خویش و هر که کافر باشد بآیت های خدا پس هر آئینه خدا زود گیرنده حساب است . (۱۹)

پس اگر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس بگو منقاد ساختم روی خود را برای خدا و هر که پیروی من کرد نیز منقاد ساخت و بگو باهل کتاب و بناخوانندگان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند به تحقیق راه یافتند و اگر روی گرانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن و خدا بیناست به بندگان (۲۰) .

هر آئینه کسانی که کافر می شوند بآیتهای خدا و می کشند پیغامبران را بناحق و می کشند آنان را که بعدل می فرمایند از مردمان پس خبرده ایشانرا بعداب درد دهنده (۲۱) .

این گروه آنند که نابود شد عمل های ایشان در دنیا و آخرت و نیست ایشان را یاری دهنده (۲۲) .

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای از علم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس رومی گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان (۲۳) .

بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعٌ  
الْحِسَابِ ⑤

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ  
وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالَّذِينَ أَسَلَمْتُمْ فَإِنْ  
أَسَلَمُوا فَعِدَاةً وَأَسَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ  
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ⑥

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ  
يَعَذِّبُهُمْ حَتَّىٰ يَمُوتُوا وَالَّذِينَ يَمُرُّونَ بِالْقِسْطِ مِنَ  
النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ⑦

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ⑧

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ  
اللَّهِ لِيَحْلُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فِرْقًا مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ⑨

(۱) یعنی حقیقت حال دانستند .

این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز نرسد بما آتش دوزخ مگر روزی چند شمرده شده و فریفت ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند (۲۴) .

پس چگونه بُود حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شك نیست در آن و تمام داده شود هر شخصی را جزاء آنچه عمل کرده و ایشان ستم کرده نشوند (۲۵) .

بگوبار الها ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی هرکرا خواهی و بازمی گیری پادشاهی ازهر که خواهی و ارجمند می سازی هرکرا خواهی و خوار می سازی هرکرا خواهی بدست تست نیکی هر آئینه تو بر همه چیز توانائی<sup>(۱)</sup> (۲۶) .

درمی آری شب را در روز و درمی آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا می خواهی بی شمار (۲۷) .

بایدکه دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز اهل ایمان و هرکه این کند پس نیست در چیزی از آن خدا<sup>(۲)</sup> مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی از حذر کردن

ذٰلِكَ يٰۤاٰلِهٖمَّ قَالُوۡا لَنْ نَّمَسَّنَا النَّارُ اِلَّا اَيّٰمًا مَّعْلُوۡدٍ وَّوَعَدُوۡنَا  
فِيۡ رِيۡبِهِمۡ مَا كَانُوۡا يَفۡتَوۡنَ ﴿۲۴﴾

فَلَيۡفَا اِذَا جَمَعۡنَهُمۡ لِيُوعِثۡ لَآئِيۡبِ يَدِيۡهِ وَّوَعَدَتۡ كُلُّ نَفۡسٍ  
مَّا كَسَبَتۡ وَهِيَ لَا تَظُنُّوۡنَ ﴿۲۵﴾

قُلِ اللّٰهُمَّ لِيۡكَ الْمُلْكُ تُوۡفِي الْمُلۡكَ مِنْ تَشَآءَ وَتَنۡزِيۡجِ الْمُلۡكِ  
مِنۡ تَشَآءَ وَتَقۡوَمِ تَشَآءَ وَتُنۡزِلُ مِنْ تَشَآءَ بِرَبِّكَ الصِّيۡرَةَ  
اِنَّكَ عَلٰٓى كُلِّ شَيْۡءٍ قَدِيۡرٌ ﴿۲۶﴾

تُوۡلِيۡهِ الْبَلۡدَ فِيۡ النَّهَارِ وَتُوۡلِيۡهِ النَّهَارَ فِيۡ الْبَلَدِ وَتَخۡرِجُ الْحَيَّ  
مِنَ الْمَيِّتِ وَتَخۡرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرۡزُقُ مِنْ تَشَآءَ  
بِعۡثَرِ حِسَابٍ ﴿۲۷﴾

لَا يَخۡذِلُ الْمُؤۡمِنُوۡنَ الْكٰفِرِيۡنَ اُولِيَّآءَ مِنْ دُوۡنِ  
الْمُؤۡمِنِيۡنَ وَمَنْ يَفۡضَلْ ذٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ اللّٰهِ فِيۡ شَيْۡءٍ  
اِلَّا اَنْ تَتَّوۡا بِهٖمۡ نَفۡسَهُ وَّيُخۡذِلۡكُمْ اللّٰهُ

(۱) مترجم گوید که در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران .

(۲) یعنی در عهد خدا نیست .

نَفْسَهُ وَإِلَ اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۲۸﴾

ویرحذر می‌دارد شمارا خدا از خود و بسوی خدا بازگشت است (۲۸).

بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه های شماست یا آشکار کنیدش می‌داند آن را خدا و میداند آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست (۲۹).

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه عمل کرده است از نیکی و آنچه کرده است از بدی دوست دارد که کاش بودی در میان وی و در میان آن بدی مسافتی دور ویرحذر می‌دارد شمارا خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان (۳۰).

(ای محمد) بگو اگر دوست می‌دارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا و پیامرزد شمارا گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است (۳۱).

بگوفرمان برید خدارا و پیغامبر را پس اگر روگردانند پس هر آئینه خدا دوست ندارد کافران را (۳۲) (۱).

هر آئینه خدا برگزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را بر عالمها (۳۳).

درحالتیکه این جماعت نسلی بودند

قُلْ إِنْ تَحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُونَ يُعَلِّمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۹﴾

يَوْمَ يَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهَا أَمَدًا أَبِيدًا أَوْ يُعَذِّبُهَا اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿۳۰﴾

قُلْ إِنْ أَنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳۱﴾

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾

(۱) مترجم گوید که نصاریٰ باحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درباب عیسی علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل ساخت بعد از نزول این آیتها نصاریٰ را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

بعضی آن پیدا شده از بعضی و خدا  
شنوای دانا است (۳۴) .

آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار  
من هر آئینه من نیاز تو کردم آنچه  
در شکم من است آزاد کرده<sup>(۱)</sup> پس قبول  
کن از من هر آئینه توئی شنوای دانا (۳۵) .

پس چون بزاد دختر را گفت ای پروردگار  
من هر آئینه زادم این را دختر و خدا  
داناست بآنچه وی بزاد گفت آن زن  
نیست پسر مانند دختر<sup>(۲)</sup> و هر آئینه  
نامیدم او را مریم و هر آئینه من در پناه تو  
می‌گذارم او را و نسل او را از شیطان  
ملعون (۳۶) .

پس قبول کرد مریم را پروردگار او به  
قبول نیک و پالیده ساخت او را پالیدن  
نیک و خبر گیر ساخت بروی زکریا را  
هرگاه داخل می‌شد زکریا بر مریم در  
مسجد می‌یافت نزد او روزی را<sup>(۳)</sup> گفت  
ای مریم از کجاست ترا این روزی گفت  
اواز نزد خداست هر آئینه خدا می‌دهد  
روزی هر کرامی خواهد بی شمار (۳۷) .

آن وقت طلب کرد زکریا از پروردگار خود  
گفت ای پروردگار من عطا کن مرا از نزد

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَّيْتُ لَكَ تَارِيًّا بَطِيًّا  
مُحَرَّرًا مَقْبُولًا مِثِّي إِنْ أَتَكَ السَّمِيمُ الْعَلِيمُ ﴿۳۵﴾

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا وَضَعَتْ ۖ وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ  
وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿۳۶﴾

فَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا  
زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْبُرُجَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا  
رِزْقًا قَالَتْ إِنِّي أُنمُّنُ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
إِنَّا اللَّهُ بَرِّدُكَ مِنْ شَيْءٍ بَدِيحٍ صَالِبٍ ﴿۳۷﴾

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً  
طَيِّبَةً ۖ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿۳۸﴾

(۱) یعنی از خدمت والدین معاف داشته .

(۲) یعنی دختر خدمت بیت المقدس رانمی شاید .

(۳) یعنی میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان در زمستان .



خودنسل پاك هر آئینه تو شنوای  
دعائی (۳۸) .

پس ندا کردند اورا فرشتگان و او ایستاده  
بود نماز می گذارد در عبادت گاه، که خدا  
بشارت می دهد ترا به یحیی باشد  
باوردارنده کلمه از جانب خدا<sup>(۱)</sup> و سردار  
و پارسا و پیغامبری از نیکوکاران (۳۹) .

گفت ای پروردگار من چگونه پیدا  
می شود برای من فرزندی و رسیده است  
مرا کلان سالی وزن من نازاهست، گفت  
همچنین خدا میکند آنچه می خواهد  
(۴۰) .

گفت ای پروردگار من معین کن برای من  
نشانی<sup>(۲)</sup> فرمود که نشان تو آنست که  
سخن نه توانی گفت با مردمان سه روز مگر  
باشارت و یاد کن پروردگار خود را بسیار  
و تسبیح بگوبه شام و صباح (۴۱) .

و آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هر  
آئینه خدا برگزید ترا و پاك ساخت ترا و بر  
گزید ترا بر زنان عالمها (۴۲) .

ای مریم فرمانبرداری کن پروردگار  
خود را و سجده کن و نمازگذار بانماز  
گذاران (۴۳) .

(ای محمد) این از خبرهای غیب است  
و حی می کنیم آنرا بسوی تو و تو نبودی

فَتَذَرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْبَيْتِ  
أَنَّ اللَّهَ يَبْرِكُ لَكَ يَحْيَىٰ مَوْلَاكَ بِالْكَلِمَةِ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا  
وَخَصْرًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۳۹﴾

قَالَ رَبِّ أَلَيْسَ لِي عِلْمٌ وَقَدْ بَلَّغْتُ الْكِبَرَ وَأَمْرًا  
عَاقِرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿۴۰﴾

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ الْكَافِرَ  
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا ذُرًّا وَقَدْ بَلَّغْتَ الْكِبَرَ وَسَيِّدًا  
بِالْحَقِّ وَالْبِرِّ ﴿۳۹﴾

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ  
وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿۴۰﴾

يَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۱﴾

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ

(۱) یعنی عیسی را باور دارد .

(۲) یعنی نشان حمل آن فرزند .

نزد آن قوم چون می انداختند قلمهای خویش را<sup>(۱)</sup> تا کدام کس از ایشان خیر گیر مریم شود و نبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می کردند (۴۴) .

آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هر آئینه خدایبارت می دهد ترابه کلمه ای از جانب خود که نام او مسیح عیسی پسر مریم است با آبرو دردنیا و آخرت و از مقربان بارگاه حضرت عزت است (۴۵) .

و سخن گوید به مردمان در گهواره و وقت کهن سالی و باشد از شائستگان (۴۶) .

گفت ای پروردگار من چگونه شود مرا فرزند و دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی فرمود همچین خدا پیدا میکند هر چه می خواهد چون سرانجام میکند کاری پس جزاین نیست که میگوید او را که بشو پس میشود (۴۷) .

و بشارت داد که می آموزد او را خدا کتاب و دانش و تورات و انجیل را (۴۸) .

و گرداند او را پیغامبری بسوی بنی اسرائیل باین دعوی که آورده ام پیش شما شمانشانه ای از پروردگار شما اینکه هر آئینه من می سازم برای شما از گِل مانند شکل پرنده پس می دمم در آن پس باشد پرنده ای به حکم خدا و به می کنم کور مادرزاد را و برص دار را (یعنی پیسی

إِذْ يَقُولُ أَفَلَا تَهْتَفُونَ لَهُمْ يَوْمَ يَنْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَهَا إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿۴۴﴾

إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ فَاسْمِعِي بَرَكَةَ رَبِّكَ إِذْ يَنْفُلُ عَلَيْكِ مِنَّا بِرُوحٍ مِّنَّا وَنَحْنُ عَلَيْكَ أَنصَارٌ وَجِيهَاتٍ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۴۵﴾

وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْبِذِ وَكَهَلَّادٍ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿۴۶﴾

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۴۷﴾

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْقُرْآنَ وَالْحُسْبَانَ ﴿۴۸﴾

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْبُرْهَانِ وَإِنِّي أَنَا خَلْقُكُمْ مِنَ الطِّينِ فَهَبْنِي لَكُمْ وَأَنْفِرْ فِيهِ فَيَكُونَ طَعْمًا يُادِنُ اللَّهُ وَأُوبَىٰ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُنحَىٰ الْعَوْنُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَآيَاتِكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۴۹﴾

(۱) یعنی قرعه می انداختند .

را) وزنده می سازم مُردگان رابه حکم خدا و خبر می دهم شمارا بآنچه میخورید و آنچه ذخیره می نهید درخانه های خود هر آئینه دراین کار نشانه است شمارا اگر باور دارند ه اید (۴۹) .

و آمده ام باور دارنده آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود بر شما و آوردم نزد شما نشانه از پروردگار شما پس بتر سید از خدا و فرمان من برید (۵۰) .

هر آئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس پرستش کنید اورا این است راه راست<sup>(۱)</sup> (۵۱) .

پس آنگاه که دریافت عیسی از قوم خود کفر را گفت کیستند یاری دهندگان من بسوی خدا گفتند حواریان مائیم یاری دهندگان خدا ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که ما فرمانبرداریم (۵۲) .

ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس مارا با شاهدان<sup>(۲)</sup> (۵۳) .

نقشه کشیدند و خداوند چاره جوئی کرد و خداوند<sup>(۳)</sup> بهترین چاره جویان

وَمَصَدَقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضُ  
الَّذِي حَزَمْنَا عَلَيْكُمْ وَجَدْنَاهُمْ فِي آيَاتِنَا وَمِنْ رِيبِكُمْ فَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝۴۹

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝۵۰

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟  
قَالَ الْمُحَوَّارِيُّونَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنَحْنُ بِاللَّهِ وَآشِدَّةٌ  
يَأْتَانَا سُبُلُونَ ۝۵۱

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا  
مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝۵۲

وَمَكْرَهُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْكَافِرِينَ ۝۵۳

(۱) القصه این بشارت در حق عیسی علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خود دعوت نمود .

(۲) یعنی در زمره شهداء که اکمل امت اند والله اعلم .

(۳) یعنی بآن کافران .

است (۵۴) .

آنگاه که گفت خدای عیسیٰ هر آئینه من برگیرنده توأم<sup>(۱)</sup> و بردارنده توام بسوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای کافران<sup>(۲)</sup> تا روز قیامت باز بسوی من است باز گشت شما پس داوری می کنم میان شما در آنچه اختلاف می کردید اندر آن (۵۵) .

اما کافران پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت دردناک و آخرت نیست ایشان را یاری دهنده (۵۶) .

واما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته پس تمام دهد خدا ایشانرا مزدایشان و خدا دوست نمی دارد ظالمان را (۵۷) .

این رامی خوانیم (یا محمد) بر تو که از آیتها و کتاب حکیم است (۵۸) .

هر آئینه حال عیسیٰ نزد خدا مانند حال آدم است آفرید او را از خاک باز گفت او را بشو پس شد<sup>(۳)</sup> (۵۹) .

این سخن راست است از پروردگار تو پس مباش از شک آرنندگان (۶۰) .

پس هر که مکابره کند با تو درباره عیسیٰ

إِذْ قَالَ اللَّهُ لِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَرَافِعَكَ إِلَىٰ وَمَطَهْرًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ قَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَكُمْ فَأَخَذُوا بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿۵۴﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿۵۵﴾

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أَجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۵۶﴾

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿۵۷﴾

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۵۸﴾

أَلَمْ يَنْزِلْ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۵۹﴾

فَمَنْ حَادَّكَ فَيَدُوبْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ

(۱) یعنی ازین جهان .

(۲) یعنی غالب بر ایشان .

(۳) یعنی انسان شد .

بعد از آنچه آمد بتو از دانش پس بگویی ای خدا تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شمارا و زنان خود را و زنان شمارا و ذات های خود را و ذات های شمارا پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوئیم بر دروغگویان (۶۱) .

هر آئینه این ست خبر راست و نیست هیچ معبود برحقى بجز خدا و هر آئینه خدا غالب استوار کار است (۶۲) .

پس اگر روگردانیدند پس خدا داناست به تباه کاران (۶۳) .

بگوای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی مسلم میان ما و شما که نه پرستیم بجز خدا و شریک نسازیم باوی چیزی دیگر را و پروردگار نگیرد بعضی از ما بعضی دیگر را بجز خدا پس اگر روی گردانیدند پس بگوئید که گواه باشید ما مسلمانیم (۶۴) .

ای اهل کتاب چرا مکاره می کنید درباره ابراهیم<sup>(۱)</sup> و فرود آورده نه شده است تورات و انجیل مگر بعد ابراهیم آیا نمی فهمید (۶۵) .

آگاه شوید شما ای قوم مکاره کردید در آنچه شمارا بوی دانش است پس چرا مکاره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدامی داند و شما

تَعَالَوْا تَدْعُوا أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْهَلْ فَتَجْعَل لَعْنَتَ اللَّهِ عَلى الكَذِبِيْنَ ۝۱۱

إِنَّ هَذَا هُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ الْعَرْشُ الْعَظِيمُ ۝۱۲

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمُ بِالْمُفْسِدِيْنَ ۝۱۳

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا لِكَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۝۱۴

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْمِلُونَ فِي آبَائِهِمْ وَإِنزَلتِ التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ الْأَمْ مِنْ بَعْدِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝۱۵

هَآئِنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَآجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝۱۶

(۱) یعنی بعضی گفتند یهودی بود و بعضی گفتند نصرانی بود .

نمی دانید<sup>(۱)</sup> (۶۶) .

نه بود ابراهیم یهودی و نه نصرانی ولیکن بود حنیف مسلمان و نه بود از شرک آرندگان<sup>(۲)</sup> (۶۷) .

هر آئینه نزدیک ترین مردم بابرهم آن کسان بودند که پیروی او کردند یعنی در زمان او این پیغامبرو مومنان و خدا کارساز مومنان است (۶۸) .

آرزو کردند طائفه ای از اهل کتاب که گمراه سازند شمارا و گمراه نمی سازند مگر خویشان را و آگاه نیستند (۶۹) .

ای اهل کتاب چرا کافر می شوید بآیتهای خدا حال آنکه خود شما گواهی می دهید (۷۰) .

ای اهل کتاب چرا خلط می کنید حق را به باطل و چرا می پوشید حق را و حال آنکه شما میدانید (۷۱) .

و گفتند گروهی از اهل کتاب<sup>(۳)</sup> ایمان آرید بآنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و انکار کنید آخر آن روز تا شاید که مسلمانان بر گردند<sup>(۴)</sup> (۷۲) .

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝

إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا الصِّبْغُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَرِثَةُ الْمُؤْمِنِينَ ۝

وَدَّتْ كُلَّامَةٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوِ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

وَقَالَتِ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمُنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَی الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاللَّيْلِ وَالْآخِرَةَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝

(۱) یعنی در مسائل منصوصه در تورات اختلاف کردید تا چه رسد بغير منصوصه .

(۲) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند و حج گذارد و ختنه نماید و از جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُود که بشریعت ابراهیمی متدین باشد .

(۳) یعنی بایکدیگر .

(۴) یعنی در شک افتند .

و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شما کند بگو (یا محمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه داده شده اید شما، یا گروهی الزام دهند شمارا نزد پروردگار شما بگو نعمت بدست خدا ست می دهد آن را بهره خواهد و خدا فراخ نعمت داناست (۷۳).

مختص می گرداند به بخشایش خود هر کرا خواهد و خدا صاحب فضل عظیم است (۷۴).

و از اهل کتاب کسی هست که اگر امین داری او را بخزانه بازدهد او را بتو و از ایشان کسی هست که اگر امین داری او را بیک دینار بازدهد آنرا بتو مگر تا وقتی که باشی بر سر او ایستاده و این خیانت بسبب آنست که گفتند نیست بر مادر حق ناخواندگان هیچ راه<sup>(۱)</sup> و دروغ می گویند بر خدا و حال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۵).

آری هر که وفا کند بعهد خود و پرهیزگاری کند پس هر آئینه خدا دوست میدارد پرهیزگاران را (۷۶).

هر آئینه کسانی که می ستانند عوض پیمانی که با خدا بستند و عوض سوگندان خویش بهای اندک را آن گروه هیچ نصیب

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا يَمَن تَجِبُ وَيُنَكِّمُ قُلُوبَ إِبْنِ الْهَدَىٰ هُدَىٰ اللَّهُ  
أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ بِمَثَلِ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ  
رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ  
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِعُقُوبَةِ اللَّهِ إِلَيْكَ  
وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ كَرِهَ لِيُؤَدَّ إِلَيْكَ  
إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَالِبْنَا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ  
عَلَيْنَا فِي الْأَمْتِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبُ  
وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا  
أُولَئِكَ لِرِخْلِ قُلُوبِهِمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ

(۱) یعنی مارا بر مال عرب که هم دین مانیستند مؤاخذه نخواهد شد.

إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزِيدُهُمْ عَذَابًا إِلَّا عَذَابًا ۝

وَرَأَى مِنْهُمْ لِقَاءَ يُتْلُونَ أَلَيْسَتْ لَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ  
مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَّاهُ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنَّاهُ  
عِنْدَ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنَّاهُ عِنْدَ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبُ  
وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝

مَا كَانَ لِإِبْرَاهِيمَ أَنْ يُتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبُ وَالْحُكْمَ وَالنَّبِيَّةَ  
تَعْرِيقًا لِلنَّاسِ كُنُوزًا عَمَادًا إِلَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ  
كُنُوزًا رَيْنِينَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكُذِبُ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَدْرُسُونَ ۝

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُتَّخَذَ وَالْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيَّةَ  
أَرْبَابًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِالْكَذِبِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ قَسِمْتُمْ ۝

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ  
وَحِكْمَةٍ تَعْرِجُكُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ لِيَمَّا مَعَكُمْ  
لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَبُكُمْ وَآخِذُكُمْ

نیست ایشان را در آخرت و سخن  
نگوید بایشان خدا و نگاه نه کند بسوی  
ایشان روز قیامت و پاک نه سازد ایشان را  
و ایشان راست عذاب درد دهنده (۷۷) .

وهر آئینه از اهل کتاب گروهی هستند که  
می پیچند زبان خویش را به (خواندن)  
کتاب تا گمان کنید که آن از کتابست  
و نیست آن از کتاب<sup>(۱)</sup> و می گویند که این  
از نزد خدا ست و نیست آن از نزد خدا  
دروغ می گویند برخدا و حال آنکه  
ایشان (این را) میدانند (۷۸) .

سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند  
او را خدا کتاب و علم و نبوت باز بگوید  
به مردمان بنده گان شوید مرا بدون خدا  
و لیکن مثل این شخص می گوید که  
باشید ربانی<sup>(۲)</sup> بسبب آموزاندن کتاب  
و خواندن آن (۷۹) .

و سزاوار نیست که فرماید شمارا که  
پروردگار گیرید فرشتگان و پیغامبران را  
آیا بکفر می فرماید شمارا بعد از آنکه  
مسلمان شده باشید (۸۰) .

و آنگاه که گرفت خدای تعالی پیمان  
پیغامبران را که آنچه دادم شمارا از کتاب  
و علم باز بیاید به شما پیغامبری باور  
کننده آنچه باشماست البته ایمان آرید باو

(۱) یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب غلط ساخته می خوانند .

(۲) یعنی مرشد خلق شوید .



عَلَّ ذَلِكُمْ إِيصْرِي قَالُوا أَفَرَزْنَا قَالَ قَاسِمَهُدَا  
وَأَمَّا عَمَلُكَ مِنَ الشَّهِيدِينَ ﴿۸۱﴾

والبته یاری دهید اورا، فرمود خدا آیا  
اقرار کردید و گرفتید براین کار عهد  
مرا<sup>(۱)</sup> گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه  
باشید<sup>(۲)</sup> و من باشما از گواهانم (۸۱) .

پس هر که بر گردد بعد ازین پس آن گروه  
ایشانند بدکاران (۸۲) .

فَمَنْ كَوَّلَ بَعْدَ ذَلِكَ فَاوْلَئِكَ هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿۸۲﴾

آیابین کافران غیر دین خدا می طلبند و  
خدارا منقاد شده اند آنانکه در آسمان ها  
و زمین اند بخوشی یا نا خوشی و بسوی  
او گردانیده شوند (۸۳) .

أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ يَبْتُغُونَ وَلَهُ اسْمُهُمْ فِي السَّمٰوٰتِ  
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿۸۳﴾

بگوایمان آوردیم بخدا و آنچه فرود آورده  
شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده  
بود بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و  
یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد  
موسی و عیسی و پیغامبران را از پروردگار  
ایشان فرق نمی گذاریم میان هیچ يك از  
ایشان و ما خدارا منقادیم (۸۴) .

قُلْ امَّا يٰۤاَللّٰهُ وَمَا اَنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا اَنْزِلَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ  
وَ اِسْمٰعِيْلَ وَ اِسْحٰقَ وَ يَعْقُوْبَ وَ الْاَسْبَاطِ وَمَا اَفْوٰى مُوسٰى  
وَ عِيسٰى وَ النَّبِيِّنَّ مِنْ رَبِّهِمْ لَا يَرْغَبُوْنَ بَيْنَ اَحْدِيْتِهِمْ  
وَ عَنَّا لَهُ مُسَبِّحُونَ ﴿۸۴﴾

و هر که طلب کند غیر اسلام دینی دیگر را  
پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او  
و او در آخرت از زیان کاران است (۸۵) .

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ  
وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿۸۵﴾

چگونه راه نماید خدا گروهی را که  
کافر شدند بعد از اسلام خود و بعد از  
اینکه گواهی دادند که پیغمبر برحق است  
و بعد از آنکه آمد بایشان حجت، و خدا راه  
نمی نماید گروه ستم گاران را (۸۶) .

كَيْفَ يَهْدِي اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَ شَهِدُوْا  
اَنَّ الرُّسُوْلَ حَقٌّ وَ جَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاِنَّهٗ لَآ يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۸۶﴾

(۱) یعنی قبول کردید .

(۲) یعنی بر یکدیگر .

این گروه سزای ایشان آنست که باشد  
برایشان نفرین خدا و فرشتگان و مردمان  
همه ایشان (۸۷) .

جاویدان در آن لعنت، سبک کرده نه شود  
ازایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده  
شوند (۸۸) .

الآنکه توبه کردند بعد ازین و نیکوکاری  
نمودند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان  
است (۸۹) .

هر آئینه کسانی که کافر شدند بعد از اسلام  
خویش باز زیادتی کردند در کفر هرگز  
قبول کرده نشود توبه ایشان و آن گروه  
ایشانند گمراهان (۹۰) .

هر آئینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند  
هرگز قبول کرده نخواهد شد از هیچ یک  
ایشان مقدار پُری زمین از زر و اگر چه  
عوض خود دهد آن را آن گروه ایشانراست  
عذاب در دهنده و نیست ایشان را هیچ  
یاری دهنده (۹۱) .

هرگز نیابید نیکوکاری را تا آنکه خرج کنید  
از آنچه که دوست می دارید و هر چیزی که  
خرج کنید پس بدرستی که خدا بوی  
دانااست (۹۲) .

همه طعام حلال بود بر بنی اسرائیل مگر  
آنچه حرام کرده بود یعقوب بر خویشان  
پیش از آنکه تورات نازل کرده شود  
بگویارید تورات را پس بخوانید آن را

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ  
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ اللَّهَ  
عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَدَّيْنَا بِهِمْ نُكْرًا إِذْ دَاوُوا لَكُمْ أَنْ  
تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفْرًا فَكَانَ يُقْبَلُ  
مِنْ أَحَدِهِمْ سُلْءٌ مِنَ الْأَرْضِ ذَرِيًّا وَلَوْ اقْتَدَى بِهِ  
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا حُبَبْتُمْ وَذَلِكَ  
مِنْ سَعْيِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ  
إِسْرَائِيلَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ  
فَاتَّبِعُوا التَّوْرَةَ فَاتَّبَعُواهَا إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾

اگر هستید راست گوی (۱) (۹۳) .

پس هرکه دروغ بزند بر خدا بعد ازین  
پس آن گروه ایشانند ستم گاران (۹۴) .

بگوراست گفت خدا پس پیروی کنید  
ملت ابراهیم را حنیفی کیش شده ونه بود  
ازمشركان (۹۵) .

هر آئینه اول خانه ای که مقرر کرده شد برای  
مردمان آن ست که درمکه است برکت  
داده شده و هدایت مردممان را (۹۶) .

درآن خانه نشانه های روشن است ازآن  
جمله جای ایستادن ابراهیم (۲) وهر که  
درآید آنجا ایمن بود وحق خدا ست  
برمردمان حج خانه کعبه هرکه توانائی  
دارد رفتن بسوی آن ازجهت اسباب راه  
وهرکه کافر شود پس هر آئینه خدا بی نیاز  
است ازعالم ها (۹۷) .

بگوای اهل کتاب چرا کافر می شوید  
بآیاتِ خدا و خدا حاضر است برآنچه  
می کنید (۹۸) .

بگوای اهل کتاب چرا بازمی دارید از راه  
خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید

مَنْ أَقْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ قُلْ لَئِن لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝۹۳

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْأَشْرِكِينَ ۝۹۴

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ ۝۹۵

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا رُبِّهِمْ وَرَمَّنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَرِيْبٌ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝۹۶

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَعْرَضُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ۝۹۷

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغَوْنَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝۹۸

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید و آنچه درخاندان ابراهیم نمی خوردندمانند گوشت شتر و شیر آن میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیزحلال بود پیش ازنزول تورات الا گوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر ملت ابراهیم نیست خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نقشی که درسنگ ظاهر شده .

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤٠﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطِيعُوا قَرِيبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ يَرُدُّكُمْ وَعَدَا إِمَامَكُمْ كَغَيْرِكُمْ ﴿٤٠﴾

وَكَيْفَ تَقْرَأُونَ وَأَنْتُمْ تُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ أَيُّتَ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ  
وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَهْوُوا  
إِلَّا وَانْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٤٢﴾

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ  
عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ  
إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ  
مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٤٣﴾

برای آن راه کجی<sup>(۱)</sup> و شما با خبراید و  
نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید (۹۹).  
ای مسلمانان اگر فرمان برید گروهی را  
از اهل کتاب کافر گرداندند شمارا بعد  
از اسلام شما (۱۰۰).

و چگونه کافر شوید و خوانده می شود  
بر شما آیات خدا و در میان شما هست  
پیغامبر خدا و هر که چنگ استوار کرد  
بخدا پس هر آئینه راه نموده شد بسوی  
راه راست (۱۰۱).

ای مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن  
از وی و نمیرید مگر مسلمان شده (۱۰۲).

و چنگ زنید به ریسمان خدا<sup>(۲)</sup> جمع آمده  
و پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را  
که بر شماست چون بودید دشمن  
یکدیگر<sup>(۳)</sup> پس الفت انداخت میان  
دلهای شما پس شدید به نعمت خدا  
برادر بایکدیگر و بودید برکناره چاله ای  
از آتش پس رهانید شمارا از آن همچنین  
بیان می کند خدا برای شما نشانه های  
خود را تا باشد که راه یابید<sup>(۴)</sup> (۱۰۳).

(۱) یعنی شبهات می آید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است .

(۲) به دین خدا .

(۳) یعنی اوس و خزرج و عرب معديه و یمنیه و عرب و عجم بایک دیگر دشمنی  
داشتند .

(۴) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی شیعه و علی  
هذا القیاس .

وَلَنْ تَنَالُوا أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکی و به فرمایند به کارپسندیده و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران<sup>(۱)</sup> (۱۰۴) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَرُوا وَاختَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾

و مباحثید مانند کسانی که پراکنده شدند و اختلاف بایکدیگر کردند بعد از آنکه آمد بایشان حجت ها و آن گروه ایشان راست عذاب بزرگ<sup>(۲)</sup> (۱۰۵) .

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٦﴾

آن روز که سفید شودیک پاره رویها و سیاه گرددیک پاره روی ها اما آنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش پس بچشید عذاب را بسبب کافرشدن خویش (۱۰۶) .

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾

و اما آنانکه سفید شد روی های ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند (۱۰۷) .

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ يَا حَقِيقُ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾

این آیاتِ خداست می خوانیم آن را بر تو برآستی و نمی خواهد خدا ستم کردن بر مردمان (۱۰۸) .

وَاللَّهُ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾

و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و بسوی خدا باز گردانیده می شود همه کارها (۱۰۹) .

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

هستید شما بهترین امتی که بیرون آورده شد<sup>(۳)</sup> برای مردمان می فرمائید بکار

- (۱) یعنی واجب بالكفایه است که جمعی بامر معروف و نهی از منکر قیام نمایند .
- (۲) یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند .
- (۳) یعنی مقرر کرده شد .

وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ  
وَأَلْفَظًا ۝۱۰۰

پسندیده و منع می کنید از ناپسندیده  
و باور میدارید خدارا و اگر ایمان  
می آوردند اهل کتاب هر آئینه بهتر می بود  
ایشان را بعضی از ایشان مسلمانند و  
اکثر ایشان بدکاراند (۱۱۰) .

لَنْ يَفُزُوا لَهُمُ إِلَّا أذى وَإِنْ يُقَاتِلُوا يَبُذُّوكُمْ  
الْأَبَاءَ حَتَّى لَا يُبْصَرُونَ ۝۱۱۱

هرگز زیان نه رسانند به شما مگر اندک  
رنجی<sup>(۱)</sup> و اگر کارزار کنند باشما پشت  
بسوی شما کنند<sup>(۲)</sup> باز نصرت داده نه  
شوند (۱۱۱) .

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَالَةُ إِنَّ مَا اتَّفَقُوا إِلَىٰ مِثْلِهِ مِنَ اللَّهِ  
وَحَيْلٌ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ  
المَسْكَنَةُ ذَلِكِ يَأْتَهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ  
وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ بَدَأُوا بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكِ يَمَاعًا عَصَوْا  
وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۝۱۱۲

زده شد برایشان خواری هر جا که یافته  
شوند مگر بدست آویزی از خدا و دست  
آویزی از مردمان<sup>(۳)</sup> و باز گشتند بخشی  
از خدا زده شد برایشان ناداری، این  
بسبب آنست که کافر می بودند آیات خدا  
ومی کشتند پیغامبران را بناحق این بسبب  
گناه کردن ایشان ست و بسبب آنکه  
از خدمی گذشتند (۱۱۲) .

لِيُؤْمِنُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَمَتَّعُونَ  
أَيُّهَا اللَّهُ إِنَّهُ أَكْبَرُ مِنْهُمْ يَسْجُدُونَ ۝۱۱۳

برابر نیستند همه از اهل کتاب گروهی  
هست ایستاده<sup>(۴)</sup> می خوانند آیات خدارا  
در اوقات شب و ایشان سجده می کنند<sup>(۵)</sup>  
(۱۱۳) .

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ

باور میدارند خدارا و روز قیامت را و

(۱) یعنی بسبب زبان درازی .

(۲) یعنی بگریزند .

(۳) یعنی مگر بعهده ذمه .

(۴) یعنی راست کردار .

(۵) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام .

می فرمایند بکار پسندیده و منع می کنند از ناپسندیده و سبقت می کنند در نیکی ها و ایشان از شائسته کارانند (۱۱۴) .

و آنچه می کنند از نیکی پس ناقد رشناسی کرده نه شود بایشان به نسبت آن عمل و خداداناست به پرهیز گاران (۱۱۵) .

هر آئینه کسانی که کافر شدند دفع نکند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از عذاب خدا چیزی را و ایشانند دوزخیان ایشان در آنجا جویدند (۱۱۶) .

مثال آنچه خرج می کنند درین زندگانی دنیا مانند مثال بادبست که در آن سرمای سخت است برسید زراعت گروهی راکه ستم کردند بر خویشان پس نابود ساخت آن را و ستم نه کرد برایشان خدا و لیکن بر خویشان ستم می کردند<sup>(۱)</sup> (۱۱۷) .

ای مسلمانان دوست پنهان مگیرید غیر از خویش<sup>(۲)</sup> کوتاهی نمی کنند در فتنه انگیزی میان شما دوست داشتند رنج شمارا هر آئینه ظاهر شد دشمنی از دهان ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه های ایشان سخت تراست هر آئینه بیان کردیم برای شما نشانه ها اگر دانا هستید (۱۱۸) .

آگاه شوید شمای قوم که دوست میدارید ایشان را و ایشان دوست

يَا مَعْرُوفُ وَيَهْمُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُصَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوا بِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَعِينِينَ ﴿١١٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْفِرَ عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾

مَكْلٌ مَا يَنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَمْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا وِطْيَانَهُ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتِيَنَّكُمْ عِتَابٌ بِمَا كَفَرْتُمْ قَدْ بُدِيَ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَأَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ الْكِبْرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾

هَآئِنَّمْ أُولَآءِ خِيْبُوْنَهُمْ وَلَا يُجِيبُوْنَهُمْ وَتُوْمَتُوْنَ بِآلِكِتَابِ

(۱) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود .

(۲) یعنی از غیر مسلمانان .

نمی‌دارند شمارا و ایمان می‌آرید همه کتاب الهی و ایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند بر شما انگشتان خود را از خشم بگو بمیرید بسبب خشم خویش هر آئینه خدا داناست بآنچه در سینه هاست (۱۱۹) .

اگر برسد به شما نعمتی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به شما سختی خوشحال شوند بآن و اگر شکیبائی کنید و پرهیزگاری نمائید هیچ زیان نه رساند بشما مگر ایشان هر آئینه خدا بآنچه می‌کنند در برگرفته است<sup>(۱)</sup> (۱۲۰) .

و یادکن آنگاه که پگاه بیرون آمدی از میان اهل خانه خود می‌نشاندی مسلمانان را در جایگاهها برای جنگ و خداشنوای دانا است<sup>(۲)</sup> (۱۲۱) .

آنگاه که خواستند دوفرقه از شما که بزدلی

كَلِمَةً وَاذَاقُوا كَلِمَةً وَاذَاقُوا كَلِمَةً وَاذَاقُوا كَلِمَةً  
الْاِثْمِ مِنَ الْفَيْضِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْتِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ  
بِدَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾

اِنَّ تَسْتَسْكِمُوْنَ حَسَنَةً سَئُوهُمْ وَاِنْ تُؤْتِيَهُمْ سَيِّئَةً  
يَغْفِرْ لَهَا لَكُمْ تَصِيْرًا وَاَنْتُمْ قَوْمٌ اَلِيْفٌ كَرِيْمٌ  
سَيِّئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُجِيبٌ ﴿١٢٠﴾

وَاذْعَدُوْا مِنْ اَهْلِكُمْ تُوْبُوْا اِلَيْهِمْ مَّقَامِدًا  
لِالْوَيْتَالِ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿١٢١﴾

اِذْهَبْتَ كَلَّافِيْنَ مِنْكُمْ اَنْ تَشْكَلُوْا وَاللّٰهُ وَلِيُّهْمَا وَاَعْلَىٰ

(۱) درغزوه احد اهل نفاق میل کردند بآنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد از آنکه هزیمت واقع شد منافقان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ حضرت پیغامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که ازین جانجنبد چون آثار فتح ظاهر شدن در گرفت آن جماعت در پی غنیمت افتادند و عصیان پیغمبر کردند بشومی این عصیان هزیمت بر مسلمانان افتاد و همه فرار کردند الا ماشاء الله خبر شهادت حضرت پیغامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امر کنندگان و تشنیع بیوفایان حق سبحانه نازل کرد .

(۲) و یاد کن زمانی را که بامداد از میان خانواده خود بیرون رفتی و پایگاههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح) .



کنند و خدا کارساز ایشان بود و بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان<sup>(۱۱)</sup> (۱۲۲) .

و هر آئینه خدا فتح داد شمارا روز بدر و شما خوار بودید پس به ترسید از خدا تا بود که شکر گذاری کنید (۱۲۳) .

چون می گفتمی به مسلمانان آیا کفایت نه خواهد کرد شمارا که امداد کند شمارا پروردگار تان به سه هزار کس از فرشتگان فرود آورده شده (۱۲۴) .

بلی اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمائید و بیایند کافران بسوی شما باین جوش خود امداد کند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشان مندر کرده (۱۲۵) .

و نه ساخت خدای تعالی این مدد را مگر برای مژده دادن شما و برای آنکه آرام گیرد دلهای شما بآن و نیست فتح مگر از نزد خدا غالب استوار کار (۱۲۶) .

چنین کرد تا هلاک کند طائفه ای را از کافران یا مغلوب سازد ایشان را پس باز کردند به مراد نارسیده (۱۲۷) .

نیست ترا ازین کار چیزی یا بمهربانی توبه ایشان را می پذیرد یا غالب کند ایشان را زیرا که ایشان ستمگارانند (۱۲۸) .

و خدا راست آنچه در آسمان هاست و

اللَّهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَ لَكُمْ رَبَّكُمْ بِشَاةٍ آتِيَةٍ مِنَ الْمَلَكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿١٢٤﴾

بَلَىٰ لَئِنْ نَصَرُوا وَتَشَقَّوْا يَأْتُواكُم مِّنْ قُدْرِهِمْ هَذَا يُبَدِّلُ لَكُمْ رَبَّكُمْ مَعَسَاةَ آتِيَةٍ مِنَ الْمَلَكَةِ مَسِيئِينَ ﴿١٢٥﴾

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُرْهَانًا لَّكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾

لِيَقْطَعَ طَرَقًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ

(۱) یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار بخاطر ایشان گذشته بود باز خدای تعالی ایشان را از جن محفوظ داشت .

آنچه در زمین است می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب می دهد هر کرا خواهد و خدا آمرزنده مهربان است (١٢٩) .

ای مومنان بخورید سود را چند برابر تو بر تو و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید (١٣٠) .

و پناه گیرید از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران (١٣١) .

و فرمان برید خدارا و بیغامبر را تا باشد که بر شما مهربانی کرده شود (١٣٢) .

و شتاب کنید بسوی آمرزش از پروردگار خویش و بسوی بهشتی که پهنائی آن مانند آسمان ها و زمین است آماده کرده شده است برای پرهیز گاران (١٣٣) .

آنانکه خرج می کنند در آسائش و سختی و فرو خوردن گان خشم و عفو کنند گان تقصیر از مردمان و خدا دوست می دارند نیکوکاران را (١٣٤) .

و آنانکه چون کار زشت کنند یا ستم کنند بر خود یاد کنند خدارا پس آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست که بیا مرزد گناهان را مگر خدا و به آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند (١٣٥) .

آن گروه پاداش ایشان آمرزش است از پروردگار ایشان و بوستانهائی که می رود زیر آن جویها جاویدند در آن جا و نیک است اجر اطاعت کنندگان (١٣٦) .

هر آئینه گذشته است پیش از شما واقعه های آنانی که پیش از شما بودند، پس

و يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ مَتَاعًا فَتَضَعَفَ سَوْآتِكُمْ وَاللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَتْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾

وَاللَّهُ الْبَارِئُ الَّذِي أَعْدَدَ لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ لَكُمْ وَرَبِّكُمْ وَجَدْتُمْ عَوْضَهَا السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَعْدَتٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا ﴿١٣٣﴾

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّوَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ شَيْءٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ فَمَا لَهُ مِنْ حَافِظٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ فَمَا لَهُ مِنْ حَافِظٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ فَمَا لَهُ مِنْ حَافِظٍ ﴿١٣٥﴾

أُولَئِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ بَحْرِيٌّ مِنْ تَحْتِهَا أُولَئِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ بَحْرِيٌّ مِنْ تَحْتِهَا أُولَئِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ بَحْرِيٌّ مِنْ تَحْتِهَا أُولَئِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّتْ بَحْرِيٌّ مِنْ تَحْتِهَا ﴿١٣٦﴾

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ ﴿٣٧﴾

سیر کنید در زمین و بنگرید که چگونه بود آخر کار تکذیب کنندگان (۱۳۷) .

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٨﴾

این پیامی است برای مردمان و هدایتی و پندی برای پرهیزگاران (۱۳۸) .

وَلَا تَهْتَفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَاتَّقُوا الْاَعْلُونَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٣٩﴾

وست مشوید و اندوهناک مباشید و شمائیید غالب اگر مسلمان هستید (۱۳۹) .

اِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْصٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْصٌ مِّثْلُهُ

اگر برسد شمارا زخمی پس رسیده است جماعت کافران را زخمی مانند آن<sup>(۱)</sup> و این حادثه ها که می گردانیم آن را در میان مردمان برای فوائد بسیاروتا متمیز سازد خدامومنان را و شهید گرداند بعضی را از شما و خدا دوست نمی داردستمگاران را (۱۴۰) .

وَتِلْكَ الْاَيَاتُ لِقَوْمٍ اُولِهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ

الَّذِينَ اٰمَنُوا وَيَعْلَمَ اللَّهُ شُهَدَاءَهُ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾

وتاکه سره و خالص کندخدا مسلمانان را<sup>(۲)</sup> و نابودسازد کافران را (۱۴۱) .

وَلِيَمَّخَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَيَتَّخِذَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٤١﴾

آیا گمان کردید که درآئید به بهشت و هنوز متمیزنه ساخته است خدا مجاهدان را از شما و پیش ازآنکه متمیزسازد صابران را (۱۴۲) .

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِيْنَ

جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الظَّالِمِيْنَ ﴿٤٢﴾

وهر آئینه شما آرزومی کردید مرگ را<sup>(۳)</sup> پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس دیدید آن را و (درحالیکه) شما می نگرستید (۱۴۳) .

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمْكُنُونَ الْمَوْتِ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ

رَاَيْتُمُوهُ وَاَنْتُمْ تُنظَرُونَ ﴿٤٣﴾

و نیست محمد مگر پیغمبر هر آئینه گذشته

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ

(۱) یعنی دربدر .

(۲) یعنی ذنوب ایشان را محو کند .

(۳) یعنی شهادت را .

اند پیش از وی پیغامبران آیا اگر بمیرد  
یا کشته شود برمی‌گردید برپاشنه های  
خود<sup>(۱)</sup>؟ و هر که برگردد برپاشنه های خود  
پس هیچ زیان نه رساند خدارا و خداثواب  
خواهد دادشکر گذاران را (۱۴۴) .

و نیست هیچ شخصی را که بمیرد  
الاباراده خدا نوشته شده است مقید  
بقیدوقت و هر که خواهد جزای دنیا  
بدهیمش از ثواب دنیا و هر که خواهد  
جزای آخرت بدهیمش از ثواب آخرت  
و بزودی جزای نیک خواهیم  
دادسپاسگذاران را (۱۴۵) .

و بسا پیغامبر که قتال کردند با کفار همراه  
او خدا پرستان بسیار، پس سستی نه  
کردند بسبب مصیبتی که ایشانرا رسید  
در راه خدا و ناتوانی نه کردند و بیچارگی  
نه نمودند و خدا دوست می دارد صابران  
را (۱۴۶) .

و نبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه  
گفتند ای پروردگار ما بی‌آمرز ما را گناهان  
ما را از حد گذشتن ما در کار خود و استوار  
کن پاهای ما را و نصرت ده ما را بر قوم  
کافران (۱۴۷) .

پس عطا کرد خدا ایشان را جزای نیک  
در دنیا و جزای نیک در آخرت و خدا  
دوست می دارد نیکوکاران را (۱۴۸) .

ای مومنان اگر فرمان برداری کافران کنید

أَلَا إِنَّ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْفَلِتْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَجْزَىٰ  
اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ يَشَاءُ مَوْلَاً  
وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ  
ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَجْزَىٰ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾

وَكَايُنْ مِنْ نَبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرًا فَمَا  
وَهَبُوا لِمَا آصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا  
وَمَا اسْتَأْذَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْغَابِرِينَ ﴿١٤٦﴾

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا الْآنَ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا  
ذُنُوبَنَا وَسِرَّاتِنَا فِي أَمْرِنَا وَشَهَدَاتِنَا  
وَاصْرُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾

فَاتَّخَذَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ  
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ طِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

(۱) یعنی مرتد شوید .

يُرَدُّكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خِيسِينَ ﴿٣٥﴾

بَلَىٰ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْمُنْصِرِينَ ﴿٣٦﴾

سَنَلِقُنَّ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعُوبَ ۚ يَمَّا أَشْرَكُوا  
بِاللَّهِ مَا لَهُمْ يَنْزِلُ بِهِ سُلْطَانٌ ۖ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَ

يَبْسُ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿٣٧﴾

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ ۚ إِذْ تَحْسُرُونَ لَهُمْ يَأْذِنُ

حَتَّىٰ إِذَا فُتِنْتُمْ وَتَنَادَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ

مِن بَعْدِ مَا أَرْسَلْنَا مَا تُحِبُّونَ ۚ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ

الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَّفَكُمْ

عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۚ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ

ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلَوْنَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ

يَدْعُوكُمْ فِي أَحْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَغِمْتُمْ لَكِيلًا

تَحَرَّوْا عَلَىٰ مَا قَاتَلْتُمْ وَلَا مَا آصَابَكُمْ ۗ

وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

باز گردانند شمارا برپاشنه های شما پس  
باز گردیدزبان کارشده (١٤٩) .

بلکه خدا یاری دهنده شماست و او  
بهترین یاری دهندگان است (١٥٠) .

خواهیم انداخت دردل کافران بزدی  
بسبب آنکه شریک مقرر ساختند باخدا چیزی  
را که هیچ حجت فرونه آورده است خدا  
برای او و جای ایشان دوزخ است و او بد  
اقامت گاه است ستمگاران را (١٥١) .

وهر آئینه راست کردخدا درحق شما  
وعده خودرا چون می کشتید کافران را  
بحکم خدا تاوقتیکه بزدی کردید و نزاع  
کردید درکارخویش ونافرمانی کردید  
بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می  
خواستید از شما کسی بود که می خواست  
دنیا را واز شما کسی بودکه می خواست  
آخرت را آنگاه باز گردانید شمارا از  
ایشان<sup>(١)</sup> تا امتحان کند شمارا وهر آئینه  
درگزرانید از شما و خدا صاحب رحمت  
است بر مومنان (١٥٢) .

آنگاه که دورمی رفتید درگریختن و متوجه  
نمی شدید بر هیچ کس و بیغامبر می  
خواند شمارا درجماعت که پس پشت  
شما بود پس جزا داد شمارا باندوهی  
بالای اندوهی این پنددادن برای آنست  
تا اندوهناک نشوید بر آنچه از دست

(١) یعنی فرار کردید .

شمارفت و نه بر آنچه رسید بشما و خدا  
با خیر است بآنچه می کنید (۱۵۳) .

باز فرود آورد بر شما پس از اندوه ایمنی که  
پینکی بودمی پوشید گروهی را از شما  
و گروهی دیگر بودند که اندوهناک ساخته  
بودایشان را فکر خویشتن گمان می کردند  
بخدا گمان باطل چون گمان اهل جاهلیه  
(یعنی اهل کفر) می گفتند آیاهست مارا  
از این کار هیچ چیزی<sup>(۱)</sup> بگوید رستی که همه  
کار خداراست پنهان می دارند در دل  
خویشتن آنچه آشکار نمی کنند برای تو  
می گویند اگر بودی مارا از این کار چیزی  
کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می  
بودید در خانه های خویش هر آئینه بیرون  
می آمدند کسانی که مقدر شده است  
برایشان کشته شدن بسوی کشتن گاه  
خویش<sup>(۲)</sup> و تابا ز ما ی خدا آنچه در سینه  
شما است و تاکه سره و خالص کند آنچه  
دردل های شماست و خدا دانا است بآنچه  
در سینه ها است (۱۵۴) .

هر آئینه کسانی که رو گردانیدند از شما  
روزی که بهم آمدند دو جماعت<sup>(۳)</sup> جز این  
نیست که لغزایدایشان را شیطان بشومی  
بعض آنچه کردند و هر آئینه عفو کرد خدا

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نِعْمًا سَائِغًا يَفْتِي طَائِفَةً  
مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ  
ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ  
الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَمْ يُبْدَوْنَ لَكَ يَقُولُونَ  
لَوْ كُنَّا لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ نَأْتِيكُم بِآيَاتِنَا هُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ  
لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ  
اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا أَمْتَكُمْ يَوْمَ النِّقْحِ الْجَمْعَيْنِ إِنَّمَا اسْتَزَكَّهُوْا  
الشَّيْطَانَ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٥﴾

- (۱) یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ما کار نمی کنند .  
(۲) و این کار برای آن کرده شد که در علم الهی مقدر بود .  
(۳) یعنی کافران و مسلمانان .

ازایشان هر آئینه خدا آمرزنده بُردباراست (۱۵۵) .

ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یاباشند بجهاد بیرون آمده (۱) اگر می بودند ایشان نزد ما نمی مردند و کشته نمی شدند تا گرداندخدا این سخن را حسرتی درد ل های ایشان و خدازنده می کند و می میراند و خدا بآنچه می کنید بیناست (۱۵۶) .

و اگر کشته شدید در راه خدا یا مُردید هر آئینه آمرزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می کنند (۱۵۷) .

و اگر مُردید یا کشته شدید البته بسوی خدا برانگیخته خواهید شد (۱۵۸) .

پس به سبب مهربانی از خدا نرم شدی برای ایشان و گرمی بودی درشت خوسخت دل پرا گنده می شدند از دوروبر تو پس در گذرازشان و آمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن بایشان درین کار پس آنگاه که قصد محکم کردی پس اعتماد کن بر خدا هر آئینه خدا دوست می دارد توکل کنندگان را (۱۵۹) .

اگر نصرت دهد شمارا خدا هیچکس غالب نیست بر شما و اگر بغیر نصرت و گذارد شمارا پس کیست که نصرت دهد شمارا بعد از وی و بر خدا باید که

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتْلُوا كَافِرِينَ وَ قَالُوا  
لَاخْرَافَهُمْ إِذْ أَصْرُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا عُرَى لَوْ كَانُوا  
عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ قَاتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي  
قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُجِبُ وَيُؤَيِّتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
بَصِيرٌ ﴿١٥٥﴾

وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ مَقْتَلَةً مِنَ اللَّهِ  
وَ رَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٦﴾

وَلَيْنَ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِآلِ اللَّهِ تَحْتَرُونَ ﴿١٥٧﴾

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُمْ قَطًا عَلَیْظَ الْقَلْبِ  
لَا نَقْضُ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ  
وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٨﴾

إِنْ يَتَّبِعْكَ اللَّهُ فَلا تَجِيبْ لَهُمْ نَصْرًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ يَنْصُرْكَ اللَّهُ  
بَعْدَ ذَلِكَ وَ عَلَى اللَّهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥٩﴾

(۱) یعنی چون بمیرند درین حالت .

توکل کنند مسلمانان (۱۶۰) .

و هرگز خیانت نبی رانشاید و هر که خیانت کند خواهد آورد آن چیز را که خیانت کرده است بروز قیامت<sup>(۱)</sup> پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند<sup>(۲)</sup> (۱۶۱) .

آیا کسیکه در پی خوشنودی خدا است باشد مانند کسی که بازگشت بخشم خدا و جای اودوزخ است و بدجائی است (۱۶۲) .

ایشان دارای مراتب اند نزد خدا و خدا بیناست بآنچه می کنند (۱۶۳) .

هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بر مومنان آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان می خواند برایشان آیات خدا و پاک سازد ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و علم و هر آئینه بودند پیش ازین در گمراهی آشکار (۱۶۴) .

آیا چون رسید به شما مصیبتی که بدست آورده بودید دو چند از آن گفتید از کجا آمد این مصیبت بگو که آن از نزد نفوس شماست هر آئینه خدا بر همه چیز تواناست (۱۶۵) .

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْفُرَ وَمَنْ يُكْفُرْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَوَلَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾

أَقْبِنَ النَّبِعَ بِضَوَانِ اللَّهِ كَيْفَ بَاءَ سَخَطِ مَنْ اللَّهُ وَمَا لَهُ  
جَهَنَّمُ وَبَشِ الْمَصِيرِ ﴿١٦١﴾

هُمُ دَرَجَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِعْرٍ رِيحًا يَعْلَمُونَ ﴿١٦٢﴾

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ  
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٣﴾

أَوَلَمْ آتَاكُمْ مَثَلُ مَعْصِيَةِ قَدَّ أَصَابَتْكُمْ وَمَثَلِهَا قُلْتُمْ أَنْ هَذَا  
قُلٌّ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ ﴿١٦٤﴾

(۱) یعنی بر سر برداشته .

(۲) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نه کند .



و آنچه رسید به شما روزیکه بهم آمدند دو گروه پس باراده خدا بود و تا متمیز سازد مومنان را (۱۶۶) .

و تا متمیز سازد آنان را که منافق شدند و گفته شد ایشان را بیائید بجنگید در راه خدا یادفع کنید کافران را<sup>(۱)</sup> گفتند اگر می دانستیم جنگ کردن<sup>(۲)</sup> هر آئینه پیروی شما می کردیم این گروه بسوی کفر آن روز نزدیک تر بودند نسبت به ایشان بجانب ایمان می گویند بدهان های خویش آنچه نیست دردل های ایشان و خدا دانا تر است بآنچه می پوشند (۱۶۷) .

آنانکه خود از جنگ بازنشسته گفتند در حق برادران خویش که اگر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگودفع کنید از خویشان مرگ را اگر هستی دراست گو (۱۶۸) .

و مرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند در راه خدا بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می شوند (۱۶۹) .

شادان بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوش وقت می شوند به آنانکه بایشان نه پیوسته اند از پس ایشان به سبب آنکه هیچ ترس نیست برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند (۱۷۰) .

وَمَا آصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَمَى الْجَمْعَيْنِ فِيمَا ذُنِبَ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ تَأْتَفَعُوا وَعَقِيلٌ أَمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَاتِلُوا لِيُؤْتِعَلْمُ قِتَالًا لَتَبِعَنَّكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ اقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ تَالَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا أَلَا تُؤَاظَمُونَ مَا قَاتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوهُ عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

وَلَا تَحْزَبَنَّ الَّذِينَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ ﴿١٦٩﴾

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

(۱) یعنی از بلاد خویش .

(۲) یعنی مصلحت می دانستیم .

خوش وقت می شوند به نعمت خدا و فضل او و بآنکه خدا ضائع نمی کند مزد مومنان را<sup>(۱)</sup> (۱۷۱) .

کسانیکه قبول کردند حکم خدا و رسول را بعد از آنکه رسیده بود بایشان زخم، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری و تقوی کرده اند مزد بزرگ است (۱۷۲) .

آنانکه گفتند بایشان مردمان (که کافران) لشکر جمع کرده اند برای شما پس به ترسید از آن لشکر هاپس زیاده کرد این سخن ایمان ایشان را و گفتند بس است مارا خدا و نیک کار گزار است (۱۷۳) .

پس باز گشتند این مسلمانان به نعمتی از خدا و فضل او نه رسید بایشان هیچ آسیبی و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است (۱۷۴) .

جزاین نیست که این خبر دهنده شیطانست می ترساند دوستان خود را<sup>(۲)</sup> پس شما مترسید از کافران و به ترسید از من اگر

يَسْتَشِيرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَمْرَ  
الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ  
الْقَرْصَةُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ  
فَتَرَاهُمْ إِنبَاءَ آيَاتِنَا قَالُوا احْسَبْنَا اللَّهَ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

فَأَنقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ لَمْ نَسْأَلْهُمْ سَوْءًا وَنَسُوا  
رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا  
إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

(۱) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدر باشد چون موسم سوق بدر رسید کفار شخصی را فرستادند جمعیت ایشان بیان کرده مسلمانان را درحیث توقف اندازد باوجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آنحضرت برآمدند و بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ يك از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا درمدح ایشان می فرماید .

(۲) یعنی ضعیف اسلام را .

مومن هستید (۱۷۵) .

واندوهگین نه کنند ترا (یا محمد) آنانکه می شتابند در نصرت کفر هر آئینه ایشان هیچ زیان نه رسانند خدارا<sup>(۱)</sup> می خواهد خدا که نه دهد ایشان راهیچ بهره در آخرت وایشان راست عذاب بزرگ (۱۷۶) .

هر آئینه آنانکه خریدند<sup>(۲)</sup> کفررا عوض ایمان هیچ زیان نه رسانند خدارا وایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷۷) .

و گمان نه کنند کافران که مهلت دادن مایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که مهلت می دهیم ایشان را تازیاذه شوند در گناهگاری وایشان راست عذاب خوار کننده (۱۷۸) .

هرگز نه گذاردخدا مسلمانان را برآن حال که شماهستید برآن تاآنکه جداکند ناپاک را ازپاک وهرگز مطلع نه کند خداشمارا برغیب ولیکن خدا برمی گزیند ازپیغامبران خود هرکرا خواهد پس ایمان آریدبه خدا و پیغامبران او و اگر ایمان آرید و برهیزگاری کنید شمارا باشد مزدبزرگ (۱۷۹) .

و بایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را ازفضل خود این بخل را بهتر برای

وَلَا تَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَصُرُوا إِلَهُ سِوَا  
رَبِّدَا إِنَّهُ لَا يَجْعَلُ لَهُمُ حِفْظًا إِلَّا فِي الزُّبُرِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَصُرُوا إِلَهُ سِوَا وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

وَلَا تَحْصِبَنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُوا وَالْمُؤْمِنِينَ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ  
إِلْمَانِيْنَ لَهُمْ لِيَزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٧﴾

مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ  
الْحَقِيْقَتَ مِنَ الْكَلْبِيبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ  
وَ لَكِنِ اللَّهُ يَجْعَلُ مِنْ رِيسَالِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمَّا نُؤْيَا لِلَّهِ  
وَرِيسَالِهِ فَإِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٨﴾

وَلَا يَحْصِبَنَّ الْوَالِيْنَ يَبْخُلُوْنَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ  
فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُوْنَ

(۱) یعنی دین اورا .

(۲) یعنی اختیار کردند .

خویش بلکه اوبدست برای ایشان نزدیک است که بر شکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن روز قیامت<sup>(۱)</sup> و خدا راست میراث اهل آسمانها و زمین و خدا بآنچه می کنید دانا است (۱۸۰).

هر آئینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است و ما توانگریم<sup>(۲)</sup> خواهیم نوشت آنچه گفتند و بنویسیم کشتن ایشان پیغمبران را بناحق و بگوئیم بچشید عذاب سوزنده را (۱۸۱).

این عذاب بسبب عملی است که پیش فرستاده است دست های شما و بسبب آنست که خدا ستم کننده نیست بر بندگان (۱۸۲).

آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بسوی ما که ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تا آنکه بیارد مارا قربانی که بخورد او را آتش<sup>(۳)</sup> بگو آوردند نزد شما پیغامبران پیش از من معجزه ها و آن رانیز که شما گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راست گو (۱۸۳).

پس اگر بدروغ نسبت کردند ترا پس بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران

مَا جَآؤْا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَلْمِزُوا رَبَّ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَاللَّهِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ  
أَغْنِيَاءُ سَلَكْنَا مَا قَالُوا وَ مَتَّعَهُمُ الْآلِهِيَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ  
وَ تَقُولُ ذُو قُوَّةٍ عَذَابَ الثَّوْبَاتِ ۝

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ  
بِعَلَّامٍ لِلْغُيُوبِ ۝

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْآلِهِيَاءُ لِرَسُولٍ  
حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ كُلَّ جَاءٍ كَرُّسُلٍ  
مِّن قَبْلِ الْيَوْمِ وَ يَأْتِيَانِي فَتَأْكُلُهُمْ فَتَلْتَمِزُهُمْ  
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

فَإِنْ كَذَّبْتُمْ فَلَا كُفْرَ بَرُّسُلٍ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا

(۱) یعنی آن مال را بصورت مار کرده در گردن ایشان اندازند .

(۲) یعنی چون یهود شنیدند اقرضوالله گفتند ما غنی ایم و خدا فقیر است والله اعلم .

(۳) یعنی گوسفندی که از غیب آتش او را بردارد .

بِالْبَيْتِ وَالْثُّورِ وَالْكَعْبِ الْمُنِيرِ ﴿٦٥﴾

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنْ التَّارِ وَأُدْخِلَ  
الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَمَةٌ  
الْعُرُورِ ﴿٦٦﴾

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْتَعَنَّ  
مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ  
أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصُدُّوا عَنْتُمْ فَرِحَ  
ذَلِكَ مِّنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٦٧﴾

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ  
لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَ لَهُ قَتْلَؤَهُ وَرَأَىٰ ظُهُورَهُمْ  
وَاشْتَرَوْا بِهِ تَمَتًّا قَلِيلًا فَيَسَّ مَأْشَرُونَ ﴿٦٨﴾

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا مِنَ الْفِتْنَةِ أَن يُحْمَدُوا  
بِمَالِهِمْ يَفْعَلُوا ۚ فَلَا تَحْسَبْتَهُم بِمَقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٩﴾

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾

پیش از تو آوردند حجت هارا و صحیفه  
هارا و کتاب روشن را (۱۸۴) .

هر نفسی چشندهٔ موت است و جزاین  
نیست که تمام داده خواهید شد مزد  
خویش را روز قیامت پس هر که  
دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شده  
بهشت پس هر آینه بمراد رسید و نیست  
زندگانی دنیا مگر بهره فرینده (۱۸۵) .

البته آزمائش خواهید کرده شود شمارا  
درمالهایتان و جانهایتان و خواهید شنید از  
آنانکه کتاب داده شده اند پیش از شما  
و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر  
کنید و پرهیزگاری نمائید هر آینه این  
خصلت از کارهای مقصود است  
(۱۸۶) .

و یادکن چون گرفت خدا عهد اهل کتاب  
را که البته بیان کنید کتاب را برای  
مردمان و نه پوشید آن را پس بانداختند آن  
عهد را پس پشت خویش و گرفتند عوض  
وی بهای اندک پس بدچیزی است که  
می ستانند (۱۸۷) .

هرگز مپندار کسانی را که شادمان می  
شوند بآنچه کردند و دوست میدارند که  
ستوده شوند بآنچه نه کرده اند هرگز  
مپندار ایشان را نجات یافته از عذاب  
و ایشان راست عذاب درد دهنده  
(۱۸۸) .

و خدا راست پادشاهی آسمان ها و زمین  
و خدا بر همه چیز توانا است (۱۸۹) .

هر آئینه در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه هاست خداوندانِ خرد را (۱۹۰) .

آنانکه یاد می کنند خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوئی خویش خفته و تأمل می کنند در آفرینش آسمان ها و زمین می گویند ای پروردگار ما نیافریده ای این را باطل<sup>(۱)</sup> پاکست ترا پس نگاه دار ما را از عذاب آتش (۱۹۱) .

ای پروردگار ماهر آئینه توهر کرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا و نیست ستم گاران را هیچ یاری دهنده (۱۹۲) .

ای پروردگار ماهر آئینه شنیدیم ندا کننده را باواز بلند میخواند بسوی ایمان که ایمان آرید به پروردگار خویش پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرزد گناهان ما را و دورکن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را بانیکوکاران (۱۹۳) .

ای پروردگار ما بده ما آنچه وعده کرده ای به ما بزبان رسولان خود و رسوا مکن ما را روز قیامت هر آئینه تو خلاف وعده نمی کنی (۱۹۴) .

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان بآنکه من ضائع نمی سازم عمل هیچ عمل کننده را از شما از مردیان بعضی شما از جنس بعض است پس

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٤﴾

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا أَوْ عَلَىٰ جُوهِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قَوْلًا عَذَابَ الثَّآلِثِ ﴿٥﴾

رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تَدخِيلِ الثَّآلِثِ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٦﴾

رَبَّنَا إِنَّا أَسْمِعْنَا مُتَدَايِعِينَ لِإِيْمَانٍ أَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّتْنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿٧﴾

رَبَّنَا وَإِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا نَحْزَنُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْبِعْثَاءَ ﴿٨﴾

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۚ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَتَلُوا وَقُتِلُوا

(۱) یعنی بغیر تدبیر بلیغ والله اعلم .

لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سِيَأْتِيَهُمْ وَوَأَدْخَلْنَاهُمْ جَذِبَتِمْجْرِي  
مِنْ عَنِّيهِمَ الْأَنْهَرُ تَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ  
عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

لَا يَغْرِبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾

مَتَاعًا قَلِيلًا مَّا وَوَدَّعْتَهُمْ جَهَنَّمَ وَ يَسَّ الْيَهَادُ ﴿١٩٧﴾

لَكِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَذِبَتِمْجْرِي مِنْ عَنِّيهِمَ الْأَنْهَرُ  
خَلِيدِينَ فِيهَا تَزُولُ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ  
خَيْرٌ لِلَّابْرَارِ ﴿١٩٨﴾

وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ  
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَفِيَ عَيْنَ اللَّهِ لَا يَشْفَعُونَ بِأَيِّتِ اللَّهِ  
شَيْئًا قَلِيلًا أُولَئِكَ أَمْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَإِنَّ اللَّهَ  
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا وَاوَابِعُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

آنانکه هجرت کردند و بیرون کرده شدند از خانه های خویش ورنجانیده شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند البته دورکنم از ایشان گناهان ایشان را البته درآرم ایشان را درباغ هائی که می رود زیر آن جوی ها پاداشی از نزد خدا و خدا نزد اوست پاداش نیک (۱۹۵) .

بایدکه نه فریبد ترا آمدوشد کافران در شهرها (۱۹۶) .

این بهره مندی اندک است بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد و وی بدجائی است (۱۹۷) .

لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست بوستان ها می رود زیر آن جوی ها جاویدان در آنجا مهمانی از نزد خدا و آنچه نزد خدا ست بهتر است نیکوکاران را (۱۹۸) .

وهر آئینه از اهل کتاب کسانی اندکه ایمان می آرند بخدا و آنچه فرود آورده شد بسوی شما و آنچه فرود آورده شد بسوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا نمی ستانند عوض آیتهای خدا برای اندک آن گروه ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است (۱۹۹) .

ای مومنان صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و بترسیداز خدا باشد که رستگار شوید (۲۰۰) .